

دکتر حسن افراخته

دانشگاه زاهدان

شماره مقاله: ۳۶۲

## تفاوت اهداف باروری بین زن و مرد، عوامل و نتایج آن (مطالعه موردی؛ سیستان و بلوچستان)

Dr. Hassan Afraxteh

University of Zahedan

### The Differences of Fertility Goals between Men and Women, Their Factors and Results (Case study; Sistan and Baluchestan)

one of the most fundamental differences between the sexes is their physiological role in reproduction. this difference has frequently been posited as a source of differing fertility goals. Aside from the physiological difference between the sexes, the socio - economic factors affect fertility goals.

this article first reviews the differences between women's and means reproductive goals in Sistan and Baluchestan. Then it attempt to identify the conditions under which such differences are most likely to occur. finally, the results of this study will be discussed in relation to family planning.

#### مقدمه

شناخت نکات ظریف و دقیق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی لازمه برنامه‌ریزیهای جمعیتی و تنظیم خانواده است؛ زیرا بدون این شناخت، نمی‌توان خواسته‌های گروهی و حکومتی را بی‌توجه به ارزشهای فرهنگی، اجتماعی جوامع مختلف بر آنها تحمیل کرد.<sup>۱</sup>

۱- حبیب‌اله زنجانی، جمعیت و توسعه (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران،

یکی از تفاوت‌های بسیار اساسی بین جنسها، نقش عامل فیزیولوژیکی آنها در تجدید نسل است که خود منشأ تفاوتها در اهداف باروری بین زن و مرد می‌گردد. به این معنی که به دلایل فیزیولوژیکی تجدید نسل مسبب رنج و زحمات و خستگی بسیار برای زنان بوده، بارداری، تولد و شیردادن بچه، خطر مرگ و میر آنان را افزایش می‌دهد. در نتیجه بطور طبیعی زنان بر خلاف مردان خواهان فرزندآوری کمتر و افزایش فواصل بین باروری هستند. اما این خواست تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی تغییر می‌پذیرد و هر جا به شکلی خود را نشان می‌دهد.

در این مقاله ابتدا تفاوت‌های موجود بین زنان و مردان استان سیستان و بلوچستان که نشانه پیچیدگیهای بسیار در امیال آنان است از نظر می‌گذرد و سپس عوامل و نتایج چنین پیچیدگیهایی به دنبال می‌آید. از آن جا که فرضهای تحقیق بر پایه پرسشگریهای نمونه‌ای که در مقایسه با وسعت ناحیه و ابعاد جمعیت آن نمونه‌های کوچک و پراکنده‌ای محسوب می‌شود، مورد ارزیابی قرار گرفته است، نمی‌توان ادعا کرد که نتیجه تحقیق بدون کم و کاست بیانگر واقعیات جمعیتی استان است؛ اما می‌توان انتظار داشت که پیگیری و بسط مسائل مطروحه و بررسی صحت و سقم نتایج آن در سطحی وسیعتر، از ضروریات مبرم برنامه‌ریزیهای جمعیتی و توسعه این خطه از کشور بوده و نتایج مفیدی در بر خواهد داشت.

**تفاوت بین زن و مرد از نظر اهداف تجدید نسل**

جهت درک ویژگیهای اهداف تجدید نسل زنان و مردان در سیستان و بلوچستان بعد از مشاهدات و بررسیهای اولیه، از ۶۰۰ زوج در نقاط مختلف استان، در رابطه با دو سؤال پرسشگری به عمل آمده است. سؤال اول در ارتباط با ترجیح فرزند مذکر یا مؤنث بوده که در این رابطه ۹۴٪ زنان، فرزند مذکر را ترجیح داده‌اند. سؤال دوم درباره تعداد مطلوب اولاد بود که نتایج به دست آمده در مورد این پرسش در جدول شماره ۱ درج شده است.

جدول شماره ۱: نتایج پرسشگری در رابطه با تعداد مطلوب فرزندان

| جنس | تعداد کل نمونه | میانگین حسابی<br>تعداد مطلوب فرزندان | میانه | انحراف معیار |
|-----|----------------|--------------------------------------|-------|--------------|
| زن  | ۶۰۰            | ۴/۴۶                                 | ۴     | ۲/۵۵         |
| مرد | ۶۰۰            | ۵/۱۵                                 | ۶     | ۲/۳۶         |

در رابطه با اختلاف سن زوجین، سؤال مشخصی مطرح نشده ولی مشاهدات حاکی از اختلاف زیاد سن متوسط زنان و همسران آنان می باشد.

از مجموع پرسشگریها، مشاهدات و داده های جدول فوق می توان نتیجه گرفت که هر دو جنس زن و مرد فرزند مذکر را در اهداف تجدید نسل خود ترجیح می دهند و تمایل به داشتن فرزند ذکور عمومیت دارد. در بسیاری موارد مردان نسبت به زنان به فرزند آوری بیشتری تمایل دارند. در بعضی موارد زنان خواهان بچه های بیشتری نسبت به مردان می باشند. با این حال تعداد فرزندان مطلوب زنان نسبت به حد مطلوب فرزند آوری مردان کمتر بوده و این امر بخوبی از اعداد میانگین و میانه مندرج در جدول شماره ۱ مستفاد می شود. اختلاف سن متوسط زنان و همسران آنان در مواردی بسیار زیاد است.

### عوامل و شرایط مؤثر در اختلاف اهداف تجدید نسل بین زنان و مردان

#### ۱- رواج سیستم پدرسالاری:

منظور از پدرسالاری اشاره به یک سری سنتها و رسوم اجتماعی است که در آن زنان فرصت خوداتکایی نداشته و از نظر بقای خود وابسته به مردان می باشند. به عبارت دیگر مردان در خانواده قدرت و منابع را در اختیار دارند. سیستم پدرسالاری موجب اختلاف اهداف تجدید نسل بین زنان و مردان می گردد و سبب می شود که گاهی زنان نسبت به مردان متمایل به فرزند آوری کمتر باشند و زمانی بر عکس. این دلایل عبارتند از:<sup>۳</sup>

الف) در این نظام سهم بیشتری از رنج فرزند آوری و تربیت و نگهداری آن بر عهده زنان است. در حالی که بعد از رسیدن فرزند به سن نوجوانی و بلوغ، منافع و وفاداری او به نسبت بیشتر عاید مردان می گردد. طبیعی است که در چنین جوامعی زنان نسبت به مردان متمایل به محدود کردن باروری باشند. در نظام پدرسالاری آرزوی مطلوب مردان حفظ سیستم پدرسالاری و قدرت خود است. از این رو سعی دارند با مشغول کردن زنان به بچه داری توان آنها را گرفته تا تقاضای زیاد نداشته باشند. البته گاهی از نظر فرهنگی در چنین جوامعی باروری بالا برای مردان نشان دهنده قدرت «مردانگی» آنهاست و یا دیدی وجود دارد که روشهای جلوگیری از بارداری را نوعی دعوت زنان به بی عفتی تلقی می کند.

3- KAREN Oppenhfim Mason, Anju Malhotrajaj, "Diffrences Between Women's and Men's Reproductive Goals indeveloping Countries", *Population and development Review*, No. 4, New York, U. S. A, 1987, p. 611-638.

در این سیستم ممکن است زنان، نسبت به مردان بچه‌های «پسر» بیشتری را طالب باشند. چون اقتصاد زنان وابسته به اعضای مرد خانواده است، زنان به پسر به عنوان یک پشتیبان در برابر خطر طلاق، بیوگی و مانعی در برابر اختیار کردن زن دوم از طرف مرد که اقتصاد زن‌ها را بیشتر به خطر می‌اندازد نگاه می‌کنند. از این رو مایل به زادن هرچه بیشتر فرزند پسر هستند. یعنی اگرچه پسر برای مردان ارزش بسیار دارد، برای زنان نیز منبع ارزش و احترام بوده و اعتبار آنان را در برابر همسر افزایش داده، وفاداری، ارزش، صداقت و پشتیبانی اقتصادی آنان را برمی‌انگیزد. بعلاوه تداوم نقش مادری و کسب احترام در خانواده می‌تواند یک مادر را به گرفتن تصمیم برای باروری بالا تشویق کند.

ب) یکی از دلایلی که پدرسالاری سبب می‌شود زنان نسبت به مردان به فرزندآوری بیشتر تمایل داشته باشند تفاوت در تحصیلات بخصوص تحصیلات دبیرستانی است<sup>۴</sup>، بدین صورت که در اثر تحوّل جامعه، مردان بیشتر جذب تحصیلات می‌شوند و نوآوریها ازدوجهای جهت‌دار را به سود ازدواجهای با تساوی حقوق زن و مرد محدود ساخته به جای این که فرزند منبع درآمد باشد، هدف سرمایه‌گذاری والدین می‌گردد. این وضع مردان را متمایل به محدودیت فرزندآوری می‌سازد؛ ولی زنان چون کمتر جذب تحصیلات می‌شوند، بر اثر تفکرات سنتی به فرزندآوری بیشتر وفادار می‌مانند. البته با گسترش مدرنیزه شدن اجتماعی، این عدم تساوی بتدریج کمتر می‌شود.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در استان سیستان و بلوچستان درصد بیسوادان زن نسبت به درصد بیسوادان مرد در نقاط روستایی در سال ۱۳۶۵، ۲۲/۷ درصد بالاتر بوده است.<sup>۵</sup> این نسبت در سال ۱۳۷۰ با تلاش نهادهای آموزشی کشور تعدیل یافته ولی هنوز متأسفانه درصد بیسوادان زن نسبت به درصد بیسوادان مرد در مناطق روستایی، ۲۱/۱۹ درصد بیشتر می‌باشد.<sup>۶</sup> در بین جمعیت غیرساکن در سال ۱۳۶۵، بیسوادان زن ۵/۰۲ درصد بیشتر از بیسوادان مرد و این نسبت در سال ۱۳۷۰، ۱۱/۷۲ درصد بوده است.

۴- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ چهارم، سازمان برنامه و بودجه.

تهران ۱۳۶۸، ص ۳۲۱.

۵- مرکز آمار ایران، آمارگیری جمعیت استان سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۶۵، ص ۵.

۶- مرکز آمار ایران، آمارگیری جاری جمعیت استان سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۷۰، ص ۵.

جدول شماره ۲: درصد باسوادان جمعیت ۶ ساله و بالاتر استان سیستان و بلوچستان  
در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰

| غیر ساکن |       | ساکن         |       |           |       |       |                       |
|----------|-------|--------------|-------|-----------|-------|-------|-----------------------|
|          |       | نقاط روستایی |       | نقاط شهری |       | استان |                       |
| سال      | زن    | مرد          | زن    | مرد       | زن    | مرد   | گروههای عمده سنی      |
| ۱۳۷۰     | ۱۱/۲۵ | ۲۲/۹۷        | ۲۹/۲۴ | ۵۰/۴۳     | ۵۷/۱۳ | ۷۱/۷۴ | جمعیت ۶ ساله و بالاتر |
| ۱۳۶۵     | ۱/۳۷  | ۶/۴۴         | ۱۵/۴۱ | ۳۸/۱۱     | ۴۱/۷۳ | ۶۰/۷۴ | جمعیت ۶ ساله و بالاتر |

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۶۵، ۱۳۷۰

## ۲- شرایط اقتصادی سنتی (Premodern)

شرایط اقتصادی سنتی به چند صورت اهداف تجدید نسل زن و مرد را تشویق می‌کند: الف) در اقتصاد سنتی با تکیه بر تولید معیشتی، تولد هر بچه میزان زحمت زنان را از نظر تغذیه، تهیه لباس و تأمین نیازهای بهداشتی و تربیتی بچه افزایش می‌دهد. در این صورت زنان تمایل به محدودیت باروری خواهند داشت. در سال ۱۳۶۵ طبق آمار رسمی، از کل جمعیت ده ساله و بیشتر استان ۳۸/۲۵٪ خانه‌دار بوده‌اند که این نسبت در مناطق روستایی ۳۹/۰۵، در مناطق شهری ۳۶/۸۲ و در بین جمعیت غیر ساکن، ۴۰/۶۶ درصد بوده است.<sup>۷</sup> با شروع تحولات و رواج اقتصاد پولی که در اثر آن اعضای خانواده از تکیه به تولیدات خانوادگی معیشتی به تولید کالا و خدمات تجاری روی می‌آورند، «هزینه تشکیل فرد»<sup>۸</sup> افزایش یافته و بخش اعظمی از درآمد نقدی مردان را می‌بلعد. این امر به تساوی اهداف باروری زن و مرد منجر می‌شود.

ب) در شرایط اقتصادی سنتی عدم تساوی زن و مرد می‌تواند معلول عدم برابری آنان در برخورداری از تغذیه و دسترسی به بهداشت باشد. در چنین شرایطی زنان تولد فرزندان کمتری را ترجیح خواهند داد. با افزایش درآمد جامعه و خانواده، وضعیت زنان از نظر تغذیه، استراحت، مراقبت‌های

۷- مرکز آمار ایران، آمارگیری جمعیت سال ۱۳۶۵، ص ۷.

۸- آبولاکست، مسائل ممالک کم رشد، ترجمه سیروس سهامی، نشر چاپخش، تهران ۱۳۶۹، ص ۵۳.

بهداشتی دوران بارداری و بعد از آن بهبود یافته و آنها تشویق می‌شوند تا باروری خود را محدود و فواصل بین بارداری را افزایش دهند.

پ) در شرایط اقتصادی سنتی به فرزند بخصوص اولاد ذکور، به عنوان عصبای روز پیری نگریسته می‌شود. در چنین جوامعی زنان بیش از مردان به فرزند یا پسر به عنوان عامل تأمین امنیت روز پیری نگاه می‌کنند و تفاوت اهداف باروری محسوس می‌باشد. با توسعه اقتصادی، اگر زنان نیز از نظر درآمد و ثروت تضمین یابند، عدم تقارن اهداف باروری کمتر می‌شود ولی اگر شرایط طوری باشد که فقط مردان از مواهب توسعه منتفع شوند، در شرایط توسعه نیز، شاهد عدم تقارن بین جنس‌ها در اهداف باروری خواهیم بود.

ولی به هر حال با ورود زنان به بازار کار بیرون از خانه، تداوم وابستگی آنان به اعضای ذکور خانواده مشکل بوده، و تفاوت‌های اهداف باروری کاهش پیدا خواهد کرد.

### ۳- نظام‌های خویشاوندی و دودمانی

منظور از نظام‌های خویشاوندی، نظام‌هایی است که مردم در آن از طریق انتساب به نیاکان خود یک خانواده بزرگ را تشکیل می‌دهند. در مورد آمار دقیق این گونه خانوارها عدد قابل اعتمادی وجود ندارد؛ ولی شواهد نشان می‌دهد که اولاً بعد خانوار بالاست و ثانیاً درصد بالایی از جمعیت این گونه خانوارها را افراد ذکور تشکیل می‌دهند که به هر صورت بیانگر نزول مقام و منزلت زن در این جوامع می‌باشد. در این نوع نظامها پیوندها و علائق بین زن و شوهر ضعیف و علاقه به اعضای دودمان قوی می‌باشد و فرزند زیاد برای رئیس خانوار منبع قدرت و ثروت است. این امر مشوق مردان در تمایل به باروری بالا می‌باشد.

### ۴- شرایط جمعیتی

الف) باروری بالا؛ باروری بالا مشوق اختلاف اهداف تجدید نسل بین زن و مرد است؛ چون حتی اگر خطرات مرگ و میر نهفته در هر دفعه بارداری محدود باشد، باز، زنی که در معرض کثرت بارداری باشد، به نسبت زنی که دو یا سه بار فرزندآوری را تجربه می‌کند با خطرات بیشتری روبرو خواهد بود. در استان سیستان و بلوچستان میزان باروری عمومی جمعیت ۱۵-۴۹ ساله ۲۴۶/۶ در هزار است که از میزان باروری عمومی کل کشور، ۱۸۷/۷ در هزار، ۵۸/۹ در هزار بالاتر می‌باشد.<sup>۹</sup> در چنین شرایطی به

۹- حبیب‌اله زنجانی، جمعیت و شهرنشینی در ایران، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری

دلیل خطرناکی که در کمین زنان باردار است، انگیزه زنان برای باروری بالا کاهش می‌یابد.

ب) اختلاف زیاد سن متوسط بین زنان و شوهران؛ در جایی که سن متوسط زوجین اختلاف زیادی داشته باشد، بخصوص اگر بپوه‌های دوباره ازدواج کرده نادر باشند، زنان به دلیل اینکه به فرزندان خویش بویژه فرزند مذکر به عنوان پشتیبان روز پیری بیش از مردان نظر دارند، میل به باروری آنان بیش از مردان خواهد بود. در این استان بخصوص در منطقه بلوچستان چنین شرایطی وجود داشته و شیوع ازدواجهای مجدد یکی از مهمترین عوامل مؤثر در اختلاف سن متوسط بین همسران می‌باشد.

### نتایج حاصله از وجود تفاوت اهداف تجدید نسل بین زنان و مردان

بین رشد جمعیت و اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه اقتصادی رابطه منفی و بازدارنده‌ای وجود دارد.<sup>۱۰</sup> بنابراین پیداست که برای هدایت کشور به سوی توسعه اقتصادی، برنامه‌ریزی جمعیتی ضروری است. چنین برنامه‌ریزی‌ای باید مبتنی بر قوانین علمی و فرهنگی باشد و گرنه فرامین، تشویقات، تزییقات و حتی سرمایه‌گذاری‌های کلان نتیجه مطلوبی به بار نخواهد آورد. جهت دستیابی به هدف مزبور، درک و شناخت تفاوت‌های موجود بین زنان و مردان از نظر اهداف تجدید نسل آنها ضرورت دارد، زیرا:

۱- درک اختلاف جنسها در اهداف تجدید نسل می‌تواند دلایل تغییرات جمعیتی را روشن سازد. طبق یک نظر تغییرات باروری از دو عامل ناشی می‌شود: الف) کاهش مزیت و سود اقتصادی فرزندان یا افزایش هزینه پرورش بچه (قیمت و قتهای از دست رفته مادر، هزینه تغذیه، بهداشت، تحصیل و ...) و ب) افزایش توان زنان در تعیین باروری آنان. در این دیدگاه، خواست زنان برای محدود کردن باروری پیش شرط تغییرات جمعیتی است.<sup>۱۱</sup>

اگر زنان نسبت به مردان بچه‌های کمتری را بخواهند، می‌توان توان آنها را در کنترل باروری بدون دخالت شوهران افزایش داد یا روند کاهش باروری را تسریع نمود؛ در صورتی که اگر آرزوی باروری جنسها یکسان باشد، انجام چنین امری میسر نمی‌باشد.

۲- درک ماهیت تفاوت جنسها در اهداف تجدید نسل، می‌تواند این نکته را روشن سازد که چرا در

۱۰- مرتضی قره‌باغیان، اقتصاد رشد و توسعه، جلد دوم، نشر نی، تهران ۱۳۷۱، ص ۶۵۵-۶۴۰.

11- Caldwell, Johnc. "Masseducation as a determinant of the timing of fertility decline" *populatin development Review*, No. 6, 1980, p. 225-255.

مواردی که زنان ادعا دارند، بچه‌های زیادتری نمی‌خواهند، در استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری قصور می‌ورزند؟ به عبارت دیگر بین امیال باروری اظهار شده و رفتار تجدید نسل تناقض وجود دارد. شاید پذیرفتنی‌ترین دلیل آن باشد که زنان بچه‌های کمتری می‌خواهند ولی چون شوهران آنها در این مورد موافق نبوده و قدرت بیشتری نیز در کنترل پروسه‌های تجدید نسل در دست شوهران متمرکز است، زنان در این خواست خود ناکام می‌مانند.

۳- تعیین تفاوت‌های موجود در امیال تجدید نسل زنان و مردان و مطالعه جوامع موردنظر می‌تواند به روشن شدن این مطلب که تصمیم‌گیری باروری از تفاهم خانواده ناشی می‌شود یا از برخورد نظرات زن و مرد، کمک نماید.

در نهایت می‌توان فهمید که افزایش دادن هزینه تربیت کودک، گسترش امکانات تحصیل زنان و ایجاد اشتغال پردرآمد برای زنان در خارج از خانواده، ما را در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه تنظیم خانواده و دستیابی به توسعه عادلانه در منطقه مورد مطالعه کمک خواهد کرد. به عنوان مثال در این استان جمع رویدادهای ثبت شده سال ۱۳۷۱ بیش از ۴۶۹۸۶ مورد بود که این رقم در سال ۱۳۷۲ به ۵۲۰۴۱ مورد افزایش یافته است. افزایش ناگهانی بیش از پنج هزار مورد تولد، نوسان قابل ملاحظه‌ای را در نیازهای بهداشتی، درمانی، آموزشی و ... ایجاد می‌نماید. به عنوان مثال این استان فقط از نظر آموزشی نیازمند حدود یکصد و شصت یا یکصد و هفتاد کلاس آموزشی اضافی و نیازهای ذریبط از قبیل آموزگار، کتاب، دفتر و ... است. بدیهی است که این نوسانات از جهات مختلف هر برنامه‌ریزی حساب شده‌ای را با مشکل روبرو می‌سازد.<sup>۱۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱۲- سازمان ثبت احوال کشور، «ثبت رویداد تولد و تحولات آن»، فصلنامه علمی و پژوهشی جمعیت، تابستان و پاییز